مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و گفت: من بسیار خسته و نیازمندم.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که می گوید: شخصي نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: من سخت گرسنه و ناتوانم. رسول الله صلی الله علیه وسلم به خانه ی یکی از همسرانش پیغام فرستاد - که آیا غذایی هست؟ - همسرش پاسخ داد: سوگند به ذاتی که تو را به حق مبعوث کرده است، جز آب چیزی ندارم. سپس به یکی دیگر از همسرانش پیغام فرستاد و او نیز همین پاسخ را داد تا اینکه همه ی همسران پیامبر صلی الله علیه وسلم همین جواب را دادند و گفتند: سوگند به ذاتی که تو را به حق برانگیخته است، جز آب چیزی نداریم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «من يُضِيفُ هَذا اللَّيْلَة؟»: «چه کسی این شخص را امشب مهمان می کند؟» یکی از انصار گفت: من، ای رسول خدا؛ و او را با خود به خانه اش برد و به همسرش گفت: مهمان رسول الله صلی الله علیه وسلم را گرامی بدار (و از او به خوبی پذیرایی کن). و در روایتی آمده است: به همسرش گفت: آیا نزد تو چیزی هست؟ پاسخ داد: غذایی جز خوراک بچه هایم ندارم. پس گفت: بچه ها را با چیزی سرگرم کن و وقتی شام خواستند، آنها را بخوابان و هر وقت مهمانمان - برای صرف غذا - آمد، چراغ را خاموش و به او وانمود کن که ما نیز غذا می خوریم. سپس برای خوردن غذا نشستند و مهمان غذا خورد و آن دو - زن و مرد انصاری - گرسنه خوابیدند؛ وقتی صبح شد، مرد انصاری نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم رفت؛ و رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لَقَد عَجِبَ اللَّهُ مِن صَنِيعِكُمَا بِضَيفِكُمَا اللَّيْلَةَ»: «الله از رفتار شب گذشته ی شما با مهمان تان تعجب نمود».

[صحیح است] [متفق علیه]

مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده و می گوید: من خسته و گرسنه هستم. پس رسول الله صلی الله علیه وسلم به یکی از همسرانش پیغام می فرستد (که آیا چیزی برای خوردن دارد) و او می گوید: به الله سوگند جز آب چیز دیگری ندارم. آنگاه به همسر دیگرش پیغام می فرستد و او نیز همان پاسخ را می دهد؛ تا اینکه به تمام همسرانش پیغام می فرستد و همگی همان پاسخ را می دهند. سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید: «چه کسی حاضر است امشب این شخص را مهمان کند؟» مردی از انصار می گوید: یا رسول الله من او را مهمان می کنم. پس او را به خانه اش برده و به همسرش می گوید: آیا چیزی داری که تقدیم مهمان کنیم؟ همسرش می گوید: نه، جز غذای فرزندان. مرد انصاری می گوید: بچه ها را با چیزی سرگرم کن و وقتی شام خواستند، آنها را بخوابان؛ و به او دستور می دهد چراغ را خاموش کند تا مهمان گمان برد آن دو نیز غذا می خورند. و به این ترتیب مهمان غذا می خورد و آن دو - زن و مرد انصاری - برای گرامی داشتن مهمان رسول الله صلی الله علیه وسلم، شکم گرسنه بر بالین می گزارند؛ صبح که مرد انصاری نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم می رود، رسول الله صلی الله علیه وسلم به او خبر می دهد که: «الله از رفتار شب گذشته ی آن دو با مهمان شان تعجب کرد». تعجب پروردگار بر ظاهرش حمل می شود، زیرا فعل و رفتاری تعجب آور انجام شده بود. تعجب از جمله صفات فعلی است که اهل سنت و جماعت آن را بدون تشبیه و تمثیل ثابت می دانند و این تعجب برای نیکو شمردن آن رفتار است نه بد شمردن و انکار آن؛ و الله متعال رفتار آن دو در آن شب را خوب و نیک دانست.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/5911